



شایپا چاپی: ۲۲۲۸-۵۸۹X

شایپا الکترونیکی: ۲۶۴۵-۷۱۴۸

نشریه علمی

معماری و شهرسازی ایران

پاییز و زمستان ۱۴۰۰ / شماره ۲

الْغَنَّامُ

دو فصلنامه معماری و شهرسازی ایران نشریه علمی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران است که در راستای مستند سازی و تقویت پژوهش های مرتبط با حوزه های معماري، معماري منظر، برنامه ریزی شهری، طراحی شهری، مرمت بافت و ابنيه، طراحی صنعتی و حوزه های وابسته، در پائیز ۱۳۸۹ با مجوز شماره ۳/۲۱۱۰۳ مدیر کل دفتر سیاست گذاری و برنامه ریزی امور پژوهشی، "علمی-پژوهشی" شناخته شده و اولین شماره آن منتشر شد. این نشریه بنابر آیین نامه نشریات علمی مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۰۲ به شماره ۱۱/۲۵۶۸۵ وزارت علوم تحقیقات و فناوری با عنوان "نشریه علمی" شناخته می شود.

اهداف نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران

- ایجاد و ارتقای بستری مناسب برای تبادل علم و دانش در حوزه های معماري، شهرسازی، هنر و طراحی صنعتی
- مستند سازی و تقویت پژوهش های مرتبط با حوزه های معماري و شهرسازی
- مطلع نمودن کارشناسان و پژوهشگران حوزه های معماري و شهرسازی از جدیدترین یافته و دستاوردهای روز ایران و جهان

محورهای موضوعی نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران

- معماري (معماري پايدار، تكنولوجى و انرژى در معماري، آموزش معماري)
- منظر
- تاريخ هنر
- شهرسازی (برنامه ریزی شهری، برنامه ریزی منطقه ای، طراحی شهری، مدیریت شهری)
- مرمت و حفاظت بافت، ابنيه و اشیا
- طراحی صنعتی (طراحی محصول، پژوهش هنر)

سیاست انتشار نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران

مقالات ارسالی برای این نشریه به صورت دوسویه ناشناس داوری می شوند و پس از داوری و موافقت هیئت تحریریه به چاپ خواهند رسید. برای تسهیل استفاده دانشجویان، پژوهشگران و متخصصان و ارتباط گسترده تر با جهان و متخصصان بین المللی، نشریه علمی معماري و شهرسازی ایران امکان دسترسی آزاد و رایگان به تمامی مقالات را در سایت اینترنتی مجله فراهم کرده است. این نشریه با احترام به قوانین اخلاق در نشریات تابع قوانین کمیة اخلاق در انتشار (COPE) می باشد و از آیین نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی پیروی می نماید.

صاحب امتیاز: انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران

مدیر مسئول: دکتر محسن فیضی

سردبیر: دکتر مصطفی بهزادفر

هیأت تحریریه داخلی (به ترتیب حروف الفبا):

- دکتر ایرج اعتصام، استاد دانشکده عمران، معماري و هنر، دانشگاه آزاد اسلامي واحد علوم و تحقیقات
- دکتر محمد رضا بمانیان، استاد دانشکده هنر و معماري، دانشگاه تربیت مدرس
- دکتر مصطفی بهزادفر، استاد دانشکده معماري و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر مهدی خاکزند، دانشیار دانشکده معماري و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر داراب دیبا، استاد دانشکده معماري و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامي واحد تهران مرکزي
- دکتر محسن فیضی، استاد دانشکده معماري و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر یوسف گرجی مهلبانی، استاد دانشکده معماري و شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)
- دکتر اصغر محمد مرادی، استاد دانشکده معماري و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر حامد مظاہریان، دانشیار دانشکده معماري، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
- دکتر فرهنگ مظفر، دانشیار دانشکده معماري و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر غلامحسین معماریان، استاد دانشکده معماري و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر هاشم‌هاشم‌نژاد، دانشیار دانشکده معماري و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

هیأت تحریریه بین الملل (به ترتیب حروف الفبا):

- دکتر رحمان آذری، دانشیار، دانشکده هنر و معماري، دانشگاه پنسیلوانیا، آمریکا
- دکتر احسان شریفی، دانشیار، دانشگاه آدلاید، استرالیا
- دکتر ایوب شریفی، دانشیار، دانشگاه هیروشیما، ژاپن
- دکتر محمد طالقانی، دانشیار، دانشگاه لیدز، انگلستان
- دکتر باملا کریمی، دانشیار، دانشگاه ماساچوست، آمریکا

مدیر تحریریه: دکتر مهدی خاکزند

کارشناس تحریریه: مهندس آناهیتا طبائیان

دوره ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

ویراستار فارسی: انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران

ویراستار انگلیسی: مهندس سعاد صریحی

طراح صفحه‌بندی و جلد: مهندس آناهیتا طبائیان

صفحه‌آرایی و فرمتینگ: الهام منتی محب

تیراژ: ۵۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

چاپ: دانشگاه علم و صنعت ایران

نشانی نشریه: تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران، داشکده معماری و شهرسازی، طبقه سوم، دفتر انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران.

کد پستی: ۱۳۱۱۴-۱۶۸۴۶

تلفن: ۰۲۱-۷۳۲۲۸۲۳۵

دورنگار: ۰۲۱-۷۷۲۴۰۴۶۸

نشانی الکترونیکی: iaau@iust.ac.ir

سایت و سامانه الکترونیکی نشریه انجمن: <https://www.isau.ir>

شایان چاپی:
شایان الکترونیکی:

نشریه علمی

معماری و شهرسازی ایران

پاییز و زمستان ۱۴۰۰ / دوره ۱۲

www.isau.ir

مقالات چاپ شده لزوماً نقطه نظرات نشریه نبوده و مسئولیت مقالات به عهده نویسنده‌گان محترم است.
این شماره با حمایت دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران به چاپ رسیده است.

راهنمای نویسنده‌گان

از نویسنده‌گان محترم جهت انتخاب نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران برای انتشار اثر علمی ایشان، صمیمانه سپاسگزاریم. خواهشمند است جهت تسریع در مراحل داوری و انتشار، با دقت راهنمای نویسنده‌گان را مطالعه بفرمایید.

۱- مقاله باید حاصل کار علمی و پژوهشی بوده و قبلًا در نشریه دیگری اعم از داخلی یا خارجی و یا مجموعه مقالات سمینارها و مجامع علمی چاپ نشده و یا همزممان برای نشریه دیگری ارسال نشده باشد.

۲- صرف مقاله پژوهشی در مجله مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و مقالات مزوری نیز از نویسنده‌گان مجبوب و پیشکسوت معماری و شهرسازی در زمینه نظری برابر اهداف و چشم انداز مجله پذیرفته می‌شود.

۳- مقالات باید صرفاً از طریق سایت مجله به آدرس <https://www.isau.ir> ارسال شوند. به مقالاتی که از طریق ایمیل یا به صورت چاپی به مجله ارسال شوند ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴- مسئولیت صحت و سقم مقاله به لحاظ حقوقی و علمی بر عهده نویسنده‌گان است. دوفصلنامه علمی "معماری و شهرسازی ایران" حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد.

۵- مقالاتی که خارج از حوزه اهداف مجله ارسال شوند، بدون داوری و با نظر سردبیر یا گروه دیپرانت مجله، از فرایند ارزیابی خارج خواهد شد.

۶- زبان رسمی نشریه فارسی است و مقاله باید دارای انشایی روان و از نظر دستور زبان و آیین نگارش فارسی خالی از اشکال بوده و سقف تعداد صفحات ۱۷ صفحه می‌باشد (بدون احتساب صفحه چکیده و منابع).

۷- در گروه نویسنده‌گان حتی یک عضو هیأت علمی باید وجود داشته باشد.

۸- مشخصات نویسنده / نویسنده‌گان به جز در صفحه جداگانه‌ای با عنوان مشخصات نویسنده‌گان، نباید در هیچ قسمت دیگری از مقاله ذکر شود.

۹- از هر نویسنده تنها یک مقاله در فرآیند داوری قرار می‌گیرد و ارسال مقاله دوم تنها زمانی میسر است که مقاله اول تعیین تکلیف شده باشد.

۱۰- در صورت استفاده از پایان‌نامه یا رساله‌های دانشجویی، ذکر نام استاد راهنمای، عنوان رشته و نام دانشگاه مربوط، الزامی است و مقالات برگرفته از پایان‌نامه و رساله دانشجویان با نام استاد راهنمای، مشاوران و دانشجو به صورت توأم و با مسئولیت استاد راهنمای منتشر می‌شود.

۱۱- لازم است ساختار مقاله براساس فایل تمپلت (قابل دریافت از طریق سایت و سامانه نشریه) تنظیم و ارسال شود.

۱۲- ارجاعات داخل متن و فهرست منابع پایانی باید براساس شیوه نامه APA تنظیم شوند.

۱۳- هزینه‌های هر مقاله در مراحل مختلف از نویسنده‌گان دریافت خواهد شد که در سایت و سامانه نشریه، قابل مشاهده است.

۱۴- لازم به ذکر است پس از پذیرش علمی و نهایی مقالات، چکیده مبسوط انگلیسی، چکیده تصویری، ترجمه منابع، ترجمه جداول و شکل‌ها، جهت انتشار دریافت می‌شود.



فهرست		دادران این شماره
مقالات علمی		امیررضا اردکانی
۵	بررسی میزان تحقق یافته‌گی شاخص‌های شهر بوم‌گرا و ارائه چارچوب مفهومی توسعه آن مبتنی بر میزان رضایتمندی ساکنین (مطالعه موردي: محله ازگل تهران) مهدی سعیدی، مژگان انصاری، فائزه ترابی‌نژاد	دانشگاه پارس علی اسدپور
۲۵	مطالعه تطبیقی تعارض، کارکردها و عناصر «رسانه» به منظور بررسی نقش «معماری» به عنوان یک «رسانه» پگاه یا هدار اردکانی، حسن ذوالقدرزاده	دانشگاه هنر اسلامی تبریز باپک امرابی
۴۳	مطالعه تطبیقی محاسبه مساجد جامع تبریز و مرند سحر طوفان، امیر جدای	دانشگاه هنر شیراز ناز ایمانی
۵۵	نظریه برگردان در تحلیل معماری مسکونی مدرن کشورهای ترکیه و ایران (۱۹۳۰-دهه) محمد حامد موسوی	دانشگاه آزاد اسلامی- واحد شیراز محمد آتشین‌بار
۶۹	سنجهش ظرفی بازتوسعه اراضی متروکه در اراضی صنعتی - کارگاهی شهر بوزد فاطمه کریمی، سمانه جلیلی صدرآباد	دانشگاه آزاد اسلامی- واحد شیراز زهرا بزرگ
۸۳	الگوی طراحی پوشته تلفیقی بهینه در تولید برق خورشیدی با بهره‌گیری از الگوریتم زنتک در اقلیم سرد ایران علی‌پژا فرهنگی خانقا، یوسف گرجی مهله‌ای، سید مجید مفیدی شمیرانی، حسین مدی	دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی امین حبیبی
۱۰۳	ارائه مدل مفهومی مکان در مبنوای نمایانگرها زمان و فضا (نمونه موردي: امامزاده یحیی تهران) غزاله گودرزی، مصطفی پهزاده، یوسف‌علی زیاری	دانشگاه آزاد اسلامی- واحد شهر ری سارا دانشمند
۱۱۹	تأثیر حس تعلق به مکان ساکنان بر نمای بنای مسکونی محلات مجاور مادی‌های اصفهان مرجان امجد، فرهنگ مظفر، شیرین طغیانی، وحید قاسمی	دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول حسین راعی
۱۳۷	بررسی چگونگی افزایش حس انسجام در افراد با توجه به رویکرد سالوتوزیک (نمونه موردي: بافت مسکونی محله تاریخی سنگ سیاه شیراز) محدث السادات حمیدی، مهدی خاکزند، محسن فیضی	دانشگاه علم و صنعت ایران پژوهشگر
۱۵۳	شناخت و تحلیل کالبدی معماری بومی روستایی یوس سجاد مؤذن، شینا صبرنی	دانشگاه شیراز مهسا شعله
۱۷۱	تحولات کالبدی آرامگاه امام‌زاده عبدالله شوستر نمودی از معماری ایرانی در گذر از دوره سلجوقی - خوارزمشاهی به دوره ایلخانی عباسعلی احمدی، امین احمدی سیاھپوش	دانشگاه آزاد اسلامی- واحد اصفهان هادی عبادی
۱۸۹	تأثیر محدوده کالبدی مجموعه‌های مسکونی بر ترس از جرم ساکنان: مقایسه مجموعه‌های مسکونی محصور، محصور نمادین و غیرمحصور در شهرک اکباتان محمد جلیلی، علیرضا یعنی‌فر، رامین مدنی، بروس جاد	دانشگاه آزاد اسلامی- واحد کرمانشاه پژوهشگر
۲۰۵	مطالعه تطبیقی اصول پیرنیا در معماری و مصنوعات با سبک‌های طراحی صنعتی محمد ذوالقدری، ناصر کلینی مقانی	دانشگاه طب اسلامی صلاح الدین مولانا
۲۱۷	تحلیل پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی به کمک تکنیک سوارا اپسیس عاطفه یعقوبی، زیلا رضاخانی	دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول سجاد مؤذن
۲۳۵	مقایسه تطبیقی نرم‌افزارهای شبیه‌سازی آسایش حرارتی در محیط شهری رزا وکیلی‌نژاد	دانشگاه کردستان سید مجید مفیدی شمیرانی
۲۵۱	تبیین مفهوم ملسمله مراتب شکلی- فضایی در الگوی سکونتگاهی قاجار (نمونه موردي: خانه‌ای ایتی تهران) جهان دانش، خسرو موحد، ملیحه تقی پور	دانشگاه شهید بهشتی سید علی‌حسین عبدالله‌زاده
۲۶۵	خواشن انواع حرکت در مسکن بر مبنای فرهنگ حريم معاصر (نمونه موردي: سه خانه برگزیده معماری معاصر ایران) فاطمه برادران هروی، مهدی حمزه‌نژاد	دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول بهزاد وثيق
۲۸۱	الگوی منظر آوا در باغ‌های قاجار شیراز امین حبیبی، سارا رحمانی، مهسا سعیدی‌زاده، نگار مکاری	دانشگاه هنر اسلامی تبریز پژوهشگر



ORIGINAL RESEARCH PAPER

The effects of residential communities' physical boundaries on residents' perception of fear of crime: A comparison between gated, perceived gated, and non-gated communities in Ekbatan neighborhood, Tehran

Mohammad Jalili¹, Alireza Einifar^{2,*}, Ramin Madani³, Bruce Judd⁴

¹Assistant Professor, Architecture Department, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran.

²Professor, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

³Associate professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Design, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

⁴City Futures Research Centre, Faculty of Arts, Design & Architecture, University of New South Wales, Sydney, Australia.

ARTICLE INFO

Article History:

Received	2019/08/08
Revised	2020/02/07
Accepted	2020/08/11
Available Online	2021/12/22

Keywords:

Gated Communities
Physical Boundaries
Fear of Crime
Sense of Community

Use your device to scan
and read the article online



Number of References

51



Number of Figures

5



Number of Tables

6

Extended ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: This study examined the effects of the physical boundaries of residential communities on residents' perception of fear of crime. The physical boundary of a community is the dividing line that officially delineates the limits of the land or premises of that community and separates it from the surrounding urban fabric. In the housing literature, communities around which a physical boundary is created through gates and fences/walls are called gated communities. Gated communities include both new developments and older areas retrofitted for reasons of security and are found in both urban and suburban areas. In the literature, there is no consensus on the quality of perceived security in gated communities. Despite the claim that gated communities provide their residents with higher levels of security, some studies have indicated no significant difference between the residents of gated communities and the residents of non-gated communities in terms of perceived fear of crime. The disagreements might have resulted from the different research methods used in previous studies. How gated communities are studied is important. Apparently, three general methodological approaches have been employed in previous studies to study the effects of gated communities. First, in the easiest and least rigorous research design, one or two variables have been investigated in a case study on gated communities. Second, in slightly more rigorous research designs, gated communities have been compared with non-gated communities, but possible moderating factors have not been considered. Third, more sophisticated research designs have compared gated communities with non-gated communities and considered at least some possible moderators, usually demographic variables, in a more sophisticated correlational research design. We employed a research design that compared numerous gated communities with numerous non-gated communities and involved investigator control over key variables. Meeting the requirements of a truly experimental research design is highly improbable in housing studies as meeting the conditions under which the researcher is able to manipulate the independent variables and eliminate or control moderating variables is almost impossible. Even if this were possible, the conditions of an experiment are so artificial and unreal that it is impossible to generalise the results to other contexts. However, through a causal comparative research design which is a type of correlational research that stakes out an intermediate position between correlational and experimental research and a purposefully selected sample, it is possible to control for the effects of key moderating variables. This requires the existence of appropriate cases for study. The present study aimed to take a closer look at the effects of the physical boundaries of residential communities on residents' fear of crime through a causal comparative design and a purposefully selected sample.

METHODS: Employing a causal comparative design approach of a purposive sample of gated, perceived gated, and non-gated communities in Tehran, two communities were selected from each category. Ekbatan, one of the biggest and the most populated neighbourhoods in the Middle East, is a community where three levels of gating can be observed. In some of the communities located in Ekbatan, the residents have enclosed their communities through restricting access points and recruiting guards. In fact, in Ekbatan, gating has been encouraged by residents' feeling that they have no longer any

Extended ABSTRACT

control over their communities.

FINDINGS: The results show that the residents of the gated communities did not perceive fear of crime significantly less frequently compared to the residents of non-gated communities. However, the situation is different in perceived gated communities. The results indicated that the residents of perceived gated communities in Ekbatan perceived significantly less fear of crime compared to the residents of gated and non-gated communities. Lower levels of fear of crime were observed in all four components of fear of crime including worry about fear of crime, perceived likelihood of crime, perceived control over personal crime, and perceived consequences of crime. The residents of perceived gated communities are less worried about becoming a victim of crime, feel that there is less likelihood of crime in their communities, feel that they have more control over crime if one happened, and, finally, feel that a crime would lead to fewer consequences in their lives, if one happened.

CONCLUSION: The residents of Ekbatan are increasingly worried about the future of their neighbourhood due to physical, social, and demographic changes in the context of their neighbourhood. Many of them feel threatened and are unsure of their place of residence. This is reflected in the increasing use of fencing as a strategy to control the physical environment. From the point of view of Ekbatan's managing committee and residents, gating might seem to be a reasonable solution for protecting the neighbourhood. However, the results of this study suggest that gating does not appear to address the sources of the problem. The results demonstrate that there was no significant difference between gated and non-gated communities' residents' perception of fear of crime and sense of community in Ekbatan. Protection against violence and criminal activities largely depends on residents' active surveillance and gated communities do little to foster this. Since the living environment is enclosed and guarded, residents are not encouraged to participate in protecting their neighbourhood and as a result feel no responsibility for taking care of their place of residence. It seems that gating is at best a temporary solution to the problem of crime since if someone intended to get into a gated community, they would find a way to do so. Gating and fencing lead to social segregation and, contrary to what residents believe, do little to help protect their neighbourhoods. This process will likely lead to insularity and weaken the social and physical structure of Ekbatan. The residents of gated communities no longer care about what happens outside walls or even within the walls. Passive solutions to reducing crime seem ineffective in reducing residents' fear. However, perceived gated communities, through creating a sense of territoriality and triggering residents' active participation in community protection, seem to provide an effective solution to the problem of crime.

HIGHLIGHTS:

- Ekbatan is a community where three levels of gating can be observed.
- In Ekbatan, gating has been encouraged by residents' feeling that they have no longer any control over their communities.
- Fencing and recruiting guards have failed to result in significantly less fear of crime in gated communities.

ACKNOWLEDGMENTS:

This research did not receive any specific grant from funding agencies in the public, commercial, or not-forprofit sectors.

CONFLICT OF INTEREST:

The authors declared no conflicts of interest.

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

**HOW TO CITE THIS ARTICLE**

Jalili, M.; Einifar, A.; Madani, R.; Judd, B., (2021). The effects of residential communities' physical boundaries on residents' perception of fear of crime: A comparison between gated, perceived gated, and non-gated communities in Ekbatan neighborhood, Tehran. *Journal of Iranian Architecture & Urbanism*, 12(2): 189-204.

 <https://dx.doi.org/10.30475/ISAU.2021.196767.1273>
 https://www.isau.ir/article_141821.html



تأثیر محدوده‌ی کالبدی مجموعه‌های مسکونی بر ترس از جرم ساکنان: مقایسه‌ی مجموعه‌های مسکونی محصور، محصور نمادین و غیرمحصور در شهرک اکباتان

محمد جلیلی^۱, علیرضا عینی‌فر^{۲*}, رامین مدنی^۳, بروس جاد^۴

۱. استادیار، گروه معماری، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

۲. استاد، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

۴. دانشکده هنر، طراحی و معماری، دانشگاه نیویورک ون، سینتی، استرالیا

مشخصات مقاله	چکیده
تاریخ ارسال ۱۳۹۸/۰۵/۱۷	مجموعه‌های مسکونی را بر اساس میزان سختی محدوده آن‌ها، می‌توان به سه نوع مجموعه‌های مسکونی محصور، محصور نمادین و غیرمحصور تقسیم‌بندی کرد. مجموعه‌های مسکونی محصور، محوطه‌های مسکونی هستند که محدوده آن‌ها توسط دیوارها، حصارها و دروازه‌ها ساخته می‌شوند تا دسترسی عمومی را محدود کنند. علی‌رغم گسترش مجموعه‌های مسکونی محصور، توافقی در مورد عملکرد آن‌ها بر کاهش ترس از جرم وجود ندارد. این اختلاف‌ها عموماً مربوط به روش‌شناسی پژوهش‌های گذشته است که متغیرهای تعیین‌کننده در آن‌ها در نظر گرفته نشده‌اند. در پژوهش پیش‌رو، با طرح‌ریزی یک تحقیق پس‌رویدادی و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، مجموعه‌های مسکونی شهرک اکباتان تهران به سه دسته مجموعه‌های مسکونی محصور، محصور نمادین و غیرمحصور تقسیم شدند و در هر دسته، دو مجموعه مسکونی برای مطالعه انتخاب شدند. این روش نمونه‌گیری سبب شد که اثر متغیرهای تعیین‌کننده کنترل شود. تجزیه و تحلیل ۱۹۲ پاسخ‌نامه دریافتی از ساکنان نشان داد، ترس از جرم ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور و غیرمحصور تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند؛ در واقع، برخلاف آنچه که اهالی اکباتان تصور می‌کنند، دروازه‌گذاری و حصارکشی نمی‌تواند به محافظت از محله‌شان کمکی کند. ساکنان مجموعه‌های محصور دیگر حساسیتی به اتفاقات رخ داده در آن سوی حصارهای مجموعه مسکونی خود ندارند. اما در مجموعه‌های مسکونی محصور نمادین، تلاش و تأکید اصلی بر تأثیرگذاری بر رفتار اجتماعی قرار دارد و این کار در راستای خلق یک فضای قابل دفاع است. فضایی کالبدی که در آن سازمان اجتماعی محله، احتمال وقوع جرم را کاهش می‌دهد. هدف مستحکمسازی محدوده‌ها در مجموعه‌های مسکونی محصور نمادین، ارتقای قابلیت دفاع اجتماعی از طریق ایجاد حس محدوده همراه با مسئولیت‌پذیر کردن ساکنان است که اساسی‌ترین راه مقابله با جرم و جنایت است.
تاریخ بازنگری ۱۳۹۸/۱۱/۱۸	واژگان کلیدی
تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۰۵/۲۱	مجموعه مسکونی محدوده کالبدی مستحکمسازی ترس از جرم شهرک اکباتان
تاریخ انتشار آنلاین ۱۴۰۰/۱۰/۰۱	

نکات شاخص

- اکباتان یک اجتماع محلی است که در آن سه سطح از محصورسازی دیده می‌شود.
- محصورسازی در اکباتان، به واسطه‌ی این حس که ساکنان دیگر قادر به کنترل محله خود نیستند، به وجود آمده است.
- حصارکشی و استخدام نگهبانان در اکباتان کارآیی لازم را برای کاهش ترس از جرم در مجموعه‌های مسکونی محصور نداشته است.

نحوه ارجاع به مقاله

جلیلی، محمد؛ عینی‌فر، علیرضا؛ مدنی، رامین و جاد، بروس. (۱۴۰۰). تأثیر محدوده‌ی کالبدی مجموعه‌های مسکونی بر ترس از جرم ساکنان: مقایسه‌ی مجموعه‌های مسکونی محصور، محصور نمادین و غیرمحصور در شهرک اکباتان، نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران، ۱۲(۲)، ۱۸۹-۲۰۴.

* نویسنده مسئول

تلفن: ۰۰۹۸۲۱۶۶۰۶۴۴۴

پست الکترونیک: aeinifar@ut.ac.ir

امنیت مطلوب بازسازی شده‌اند (Blakely & Snyder, 1997; Xu & Yang, 2008).

بیشتر رشد مجموعه‌های محصور نه به دست طراحان و سازندگان، بلکه به واسطه‌ی ساکنان محله‌های موجود که در تلاشی برای محافظت از روش موجود زندگی‌شان اقدام به بروایی دروازه‌ها Blakely & Snyder, 1997) به این نوع از مجموعه‌ها، مجموعه‌های مسکونی دفاعی^{۱۵} می‌گویند. ترس مهم‌ترین دلیل برای تقویت و مستحکم‌سازی^{۱۶} محدوده‌ها در مجموعه‌های Blakely & Snyder, 1997; der, 1997; Low, 2003 مورد کارآبی حصارکشی و دروازه‌گذاری وجود ندارد Roitman, 2010; Breetzke, Landman & Cohn, 2014). برخی از مطالعات، نشان از افزایش ادراک امنیت در مجموعه‌های مسکونی محصور دارند، ولی برخی دیگر از مطالعات نشان می‌دهند که تفاوت معناداری بین ترس از جرم ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور و غیرمحصور وجود ندارد. این اختلاف‌ها می‌تواند مربوط به روش‌شناسی تحقیقات قبلی باشد.

چگونگی مطالعه مجموعه‌های مسکونی محصور مهم است. در ادبیات، سه رویکرد روش‌شناسی کلی، برای مطالعه تأثیرات مجموعه‌های مسکونی مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ این مطالعه رویکرد چهارمی را مطرح می‌کند. در آسان‌ترین و کم دقت‌ترین روش، یک یا دو متغیر (به طور مثال ادراک امنیت یا حس تعلق اجتماعی^{۱۷}) در یک مطالعه موردی بر روی مجموعه‌های محصور مورد بررسی قرار می‌گیرد Quintal, 2006, Low, 2001). روش‌های دوم که اندکی بهتر هستند مجموعه‌های محصور را با مجموعه‌های غیرمحصور مقایسه می‌کنند؛ اما عوامل تعديل‌کننده احتمالی را در نظر نمی‌گیرند Abdullah, Salleh, & Sakip, 2012 (Sakip, 2012). روش‌های پژوهش سوم که پیشرفت‌تر هستند مجموعه‌های محصور را با مجموعه‌های غیرمحصور مقایسه می‌کنند و با استفاده از یک روش پیشرفت‌تر همبستگی دست کم چند تعديل‌کننده را که عموماً از جنس متغیرهای جمعیت‌شناختی هستند، نیز در نظر می‌گیرند Wilson-Doenges, 2000; Mantey, 2017). هر چه تعداد مجموعه‌های مسکونی در نمونه بیشتر باشد، احتمال بالاتری وجود دارد که متغیرهای تعديل کننده بیشتری که به خودی خود موضوع تحقیق نیستند، بر روی نتایج تأثیر نگذارند. روش چهارم که می‌تواند ایده‌آل‌تر باشد، روشی است که مجموعه‌های محصور متعددی مقایسه می‌کند و تعديل کننده‌های غیرمحصور زیادی را نیز در نظر می‌گیرد و آن‌ها را کنترل می‌کند. گیفورد^{۱۸} (2007) معتقد است که پژوهشگران معماری تقریباً هیچ‌گاه کنترل کاملی بر روی متغیرهای اساسی تعديل کننده و یا مستقل ندارند. به ندرت

مقدمه

مطالعه حاضر به بررسی تأثیر نوع محدوده کالبدی^۱ مجموعه‌های مسکونی بر ادراک «ترس از جرم»^۲ ساکنان آن‌ها می‌پردازد. محدوده‌ی کالبدی یک مجموعه مسکونی^۳ عبارت است از حد کالبدی زمین، محوطه یا ساختمان‌های آن مجموعه که به صورت رسمی ثبت شده و مجموعه مسکونی را از فضاهای شهری مجاور جدا می‌کند. در یک رویکرد کالبدی، وجود یک «محدوده مشخص»^۴ یکی از سه ویژگی است که برای توصیف یک محله استفاده می‌شود (Talen, 2019). طراحان و برنامه‌ریزان شهری، بنا بر دلایل کارکردی و زیبایی‌شناسی، داشتن یک محدوده مشخص را برای هر محله یا مجموعه مسکونی مهم می‌دانند. از نظر Talen^۵ (2019) محدوده‌ها می‌توانند با توجه به اینکه چگونه از آن‌ها استفاده می‌شود، هم یک مزیت و هم یک مشکل باشند. لینچ^۶ (1984) محدوده‌ی کالبدی مجموعه‌های مسکونی را به دو دسته نرم^۷ و سخت^۸ تقسیم‌بندی می‌کند. محدوده‌ی نرم، به پیوند اجتماعی-کالبدی مجموعه مسکونی از طریق آزادی در دسترسی به بافت و محوطه آن اشاره دارد. در حالی که منظور از محدوده سخت، تفکیک و انفصل محیط مجموعه مسکونی از محیط‌های اطراف، به وسیله کنترل دسترسی به درون مجموعه مسکونی است. کیم^۹ (2006) سه نوع محدوده در مجموعه‌های مسکونی را برای کنترل قلمرو و رفت و امد، شناسایی کرده است. (الف) محدوده‌های که دارای حصار و یک دروازه ورودی کنترل شده برای حرکت پیاده و سواره هستند، (ب) محدوده‌های که دارای حصار و یک ورودی کنترل نشده برای حرکت پیاده و سواره هستند، و در نهایت (ج) محدوده‌های که بدون حصار و بدون دروازه هستند و رفت و آمد به آن‌ها، برای پیاده و سواره کنترل نشده است.

نیومن^{۱۰} (1972) از محدوده‌های سخت و کنترل شده - استفاده از حصار و دروازه - به عنوان عاملی برای فراهم آوردن الزامات فضای قابل دفاع^{۱۱}، استفاده کرد. او برای پیشگیری از جرم در مجموعه مسکونی فایو اوکز^{۱۲}، دیتون، اوهايو، حصارکشی و دروازه‌های ورودی را در نظر گرفت تا از عبور و مرور ناخواسته به داخل سایت جلوگیری کند. در ادبیات مسکن‌سازی، به مجموعه‌های مسکونی که در آن‌ها از طریق ایجاد حصار و دروازه سعی می‌شود محدوده‌ی سخت شکل بگیرد، مجموعه‌های مسکونی محصور^{۱۳} گفته می‌شود Ruiu, 2014; Atkinson & Blandy, 2013; Roitman, 2014; Glasze, 2005 (Glasze, 2005; Atkinsion & Blandy, 2013; Roitman, 2014). بلکلی و اسنایدر^{۱۴} (1997: 2010) مجموعه‌های مسکونی محصور را «مناطقی مسکونی با ورودی کنترل شده و دارای نگهبان» می‌دانند که در آن‌ها «فضاهای عمومی اغلب خصوصی شده‌اند». مجموعه‌های مسکونی محصور ممکن است هم شامل مجموعه‌های مسکونی جدید واقع در مناطق شهری و حومه باشند؛ و هم محله‌های قدیمی واقع در مناطق مرکزی شهر را شامل شوند که برای برخورداری از

(Banks, 2005)، قربانی شدن^{۳۳} (Ross & Jang, 2000) مسائل مختص جرم^{۳۴} (British Crime Survey, 2008) و مسائل جرم در محله^{۳۵} (Gibson, Zhao, Lovrich, 2002 & Gaffney, 2002). محیط اجتماعی، قربانی شدن و مسائل مختص جرم، عواملی هستند که با شخصیت ساکنان و بافت اجتماعی محله مرتبط است و از جنس متغیرهای فردی و اجتماعی هستند. محیط کالبدی به معنای طرح کالبدی محله اشاره دارد و شامل مواردی مانند ساختار، تراکم و مقیاس محله، چیدمان فیزیکی ساختمان‌ها، خیابان‌ها و فضای عمومی محله می‌شود.

علی‌رغم اینکه بسیاری از پژوهشگران (Low 1997, 2003; Davis 1998; Caldeira 2000; Ellin 2001; Coy & Pohler 2002; Landman & Schonteich 2002)، امنیت و کاهش ترس از جرم را به عنوان یکی از اهداف شکل‌گیری مجموعه‌های مسکونی محصور می‌دانند، اما در ادبیات توافقی بر عملکرد مجموعه‌های مسکونی محصور در کاهش ترس از جرم و پایین آوردن نرخ واقعی جرم، وجود ندارد. برخی از تحقیقات نشان داده‌اند که علی‌رغم وجود دروازه و دیوار، هیچ کاهشی در میزان جرم واقعی اتفاق نمی‌افتد (Fowler & Mangione, 1986; Blakely & Snyder, 1997) در حالی که تحقیقات دیگر خلاف این امر را نشان می‌دهند. فولر و منگیون^{۳۶} (1986) در مطالعات خود بر روی موانع و طراحی خیابان‌های شهر هارتفورد دریافتند که میزان دزدی از منازل در سال اول کاهش یافت و این میزان در دو سال بعدی افزایش یافت. بلکلی و استنایدر (1997) اظهار داشتند که بر اساس گفته‌های افسران پلیس مجموعه‌های محصور عاری از جرم و جنایت نیستند و در کاهش یا جلوگیری از فعالیت‌های جنایی نقش چندانی ندارند. شرکت کنندگانی که در نظرسنجی لو^{۳۷} (2003) شرکت کردند، اظهار داشتند که سرقت‌ها توسط افراد ساکن محله یا «غیربهایی» نظیر نظافتچیان، مسکنسازان و محوطه‌سازان مشغول کار در محله انجام می‌شد. آتكینسون و بلاندی^{۳۸} (2013) نیز این گونه استدلال کرده‌اند که محصور کردن یک منطقه ممکن است به انتقال جرم از مکان‌های محصور به مناطقی مسکونی که دسترسی به آن‌ها راحت‌تر است، منجر شود. اگرچه کاهش میزان جرم به واسطه وجود موانع و دروازه موضوعی است که زیر سؤال رفته و به اثبات نرسیده است، اما برخی از پژوهشگران می‌گویند که این موانع احساس امنیت پیشتری به ساکنان می‌دهد (Quintal, 2006).

چارچوب نظری

مقاله حاضر به موازات دیگر مطالعاتی که در زمینه سنجش پیامدهای اجتماعی مجموعه‌های مسکونی محصور صورت گرفته (Wilson-Doenges, 2000; Mantey, 2017; Le Goix, 2005; Low, 2003; Landman, 2000) درصد است تا درک بهتری از اثرات طراحی محدوده‌های سخت در مجموعه‌های

بتوان در مطالعات معماری شرایط تحقیقات آزمایشی و شبیه آزمایشی را ایجاد کرد، زیرا ایجاد یک شرایط آزمایشی برای دستکاری متغیر مستقل، حذف و یا کنترل متغیرهای تعديل کننده، تقریباً غیرممکن است. به فرض انجام این عمل، محیط آزمایش آنچنان مصنوعی و غیرواقعی می‌شود که دیگر شباهتی به میدان واقعی ندارد و نتایج به دست آمده را غیرقابل تعمیم می‌سازد. ولی می‌توان با ایجاد شرایط تحقیق پس‌رویدادی، که روشی مابین تحقیقات آزمایشی و همبستگی است (Groat & Wang, 2013)، اثر متغیرهای تعدیل کننده اساسی را از طریق نمونه‌گیری هدفمند کنترل کرد. انجام این کار مستلزم وجود نمونه‌های مطالعاتی مناسب است. مطالعه حاضر در پی آن است که با ایجاد شرایط تحقیق پس‌رویدادی و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، نگاه دقیق‌تری به عملکرد انواع محدوده‌های مجموعه‌های مسکونی بر ترس از جرم ساکنان آن‌ها بیاندازد.

پیشینه تحقیق

ترس از جرم مفهوم بحث‌برانگیزی در حوزه مطالعات مسکن‌سازی محصور است (Wilson-Doen, ges, 2000). پیامدهای ترس از جرم در سطوح مختلف فردی، همسایگی و محله، ترس از جرم موجب کاهش سطح همسایگی و مشارکت در انجمن‌های محلی و روابط همبستگی، مشارکت در انجمن‌های محلی و روابط در اجتماع می‌شود (McCrea & et al., 2005). از نظر هوگ^{۳۹} (1985) ترس در واقع مفهومی مجرد نیست، بلکه مجموعه بسیار پیچیده‌ای از نگرش‌ها و احساسات است. از نظر لاغرانژ و فرارو^{۴۰} (1992) ترس از جرم یک واکنش احساسی است که با دو ویژگی وحشت^{۴۱} و دلهزه^{۴۲} نسبت به جرم و یا نمادهای آن مرتبط است. گاروفالو^{۴۳} (1981) نیز ترس از جرم را واکنشی احساسی در نظر می‌گیرد که مشخصه آن ادراک خطر و اضطراب ناشی از تهدید به آسیب فیزیکی است.

جکسون^{۴۴} (2005; 2006; 2009) پیشنهاد می‌کند که در مطالعه ترس از جرم، نه تنها این واقعیت که برخی از افراد نگرانی بیشتری نسبت به دیگران دارند باید در نظر گرفته شود، بلکه مکانیسم و درک ذهنیتی که سبب بروز جرم می‌شود هم باید بررسی گردد. بنابراین، ترس از جرم را باید در دو سطح اندازه‌گیری کرد: اضطراب فضای عمومی و نگرانی درباره جرم (Reyes-Sosa & Molina-Coloma, 2018). بر این اساس، جکسون (2009) مقیاسی برای اندازه‌گیری ترس از جرم^{۴۵}، از منظر اجتماعی روانی^{۴۶} ارائه می‌دهد. این مقیاس، تمرکز خود را بر چهار بعد اصلی قرار میدهد: نگرانی از قربانی جرم شدن^{۴۷}، احتمال وقوع جرم^{۴۸}، احساس کنترل بر جرم^{۴۹} و پیامدهای جرم^{۵۰}. مطالعات پیشین نشان می‌دهند که ترس از جرم تحت تأثیر پنج عامل است: محیط کالبدی^{۵۱} (Harang, 2003; Nasar & Fisher, 1993)، محیط اجتماعی^{۵۲}

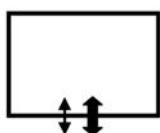
متغیرهای تحقیق

مطابق چارچوب نظری تحقیق، متغیرهای این مطالعه به سه نوع متغیر مستقل، وابسته و تعدیل‌کننده تقسیم می‌شوند.

متغیر مستقل

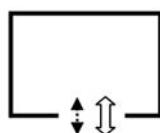
متغیر «نوع محدوده» مجموعه مسکونی در این تحقیق به عنوان متغیر مستقل محسوب می‌شود که مطابق دسته‌بندی کیم (2006) دارای سه سطح است:

- مجموعه‌های مسکونی با محدوده‌های حصارکشی شده و یک دروازه ورودی با کنترل کامل ورود و خروج افراد و وسایل نقلیه توسط نگهبان؛
- مجموعه‌های مسکونی با محدوده‌های مشخص و یک ورودی کنترل نشده و بدون نگهبان؛
- مجموعه‌های مسکونی با محدوده‌های بدون حصارکشی، بدون دروازه و آزاد در ورود و خروج به محوطه (شکل ۱).



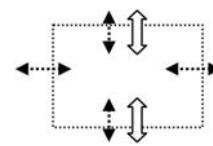
Type1: Only one entrance

With fences & a fully controlled gate



Type2: Only one entrance

With fences & no gate control



مسکونی بر روی ترس از جرم ساکنان آن‌ها ارائه دهد. همانطور که در پیشینه تحقیق اشاره شد، عوامل کالبدی و غیرکالبدی متعددی بر ترس از جرم تأثیر می‌گذارند، ولی پژوهش حاضر تنها به بررسی تأثیر نوع محدوده در مجموعه‌های مسکونی بر آن‌ها می‌پردازد. در واقع، مطالعه حاضر به بررسی مشخصه‌های کالبدی دیگر نظری ویژگی‌های ساختاری محله (Rogers & Sukolratantanmetee, 2009)؛ Abu-Ghazzeh, 1999؛ و یا فیزیکی ساختمان‌ها (Mantey, 2017) می‌پردازد بلکه هدف اصلی آن تمرکز بر برقراری رابطه بین نوع محدوده مجموعه مسکونی و متغیر «ترس از جرم» می‌باشد. بر این مبنای در این تحقیق، متغیر نوع محدوده در مجموعه مسکونی به عنوان متغیر مستقل محسوب می‌گردد و سایر عواملی که ممکن است بر ترس از جرم ساکنان تأثیر بگذارند به عنوان متغیرهای تعدیل‌کننده مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

Legend:

- | | | |
|-----------------------------|--|-------------------------------|
| — Fenced property boundary | Property boundary without fences | ↔ Open traffic for people |
| ↔ Closed traffic for people | ↔ Open traffic for vehicles | ↔ Closed traffic for vehicles |

Fig.1. Three types of boundary in communities based on territory and traffic control (Kim, 2006, p. 63)

اندازه‌گیری است (Jackson, 2009): نگرانی از قربانی جرم شدن، احتمال وقوع جرم، احساس کنترل بر جرم و پیامدهای جرم.

متغیرهای تعدیل‌کننده

متغیر تعدیل‌کننده متغیری است که به صورت مستقیم بر جهت رابطه یا میزان رابطه متغیرهای مستقل و وابسته می‌تواند مؤثر باشد (Gifford, 2007). اثرات این متغیر قابل مشاهده و اندازه‌گیری است. به متغیر تعدیل‌کننده گاهی متغیر مستقل فرعی نیز می‌گویند. تعدیل‌کننده‌ها را می‌توان به صورت کلی در سه گروه طبقه‌بندی کرد. تعدیل‌کننده‌هایی که با ساکنان (شخصیت و روابط اجتماعی‌شان) در ارتباط هستند و آنها یی که به زمینه (محیط محله) مربوط می‌شوند و تعدیل‌کننده‌هایی که مربوط به سایر ویژگی‌های کالبدی مجموعه‌های مسکونی می‌شوند. در این مطالعه، از بین ویژگی‌های کالبدی مجموعه‌های مسکونی، صرفاً ویژگی‌های محدوده موردنظر است، بنابراین، سایر ویژگی‌های کالبدی مجموعه‌های مسکونی مانند چیدمان فیزیکی ساختمان‌ها، شکل ساختمان‌ها و شکل فضای عمومی، جزء متغیرهای تعدیل‌کننده در نظر گرفته می‌شوند.

مجموعه‌های مسکونی محصور توسط دیوارکشی، دروازه ورودی، و نگهبان بر رفت و آمد افراد و وسایل نقلیه کنترل کامل دارند. در صورتی که در مجموعه‌های مسکونی غیر محصور، محدوده مجموعه مسکونی فاقد حصار و دروازه می‌باشد و عبور و مرور بر افراد مختلف به شکل پیاده و سواره کنترل نشده و بدون مانع می‌باشد. مجموعه‌هایی که دارای حدود مشخص هستند ولی فاقد نگهبان و کنترل محصور نمایدین^۴ نامیده می‌شوند (Kim, 2006). در مجموعه‌های محصور نمایدین، صرفاً «حس محدوده» برای افراد ایجاد می‌گردد، در این مجموعه‌ها افراد احساس می‌کند که قلمرو تعريف شده و دارای مالک است.

متغیر وابسته

در این مطالعه تعریف لاغرانژ و فرارو (1992) از ترس از جرم و شاخص‌های ارائه شده توسط جکسون (2009) برای سنجش ترس از جرم استفاده شده است. مطابق تعریف لاغرانژ و فرارو (1992) ترس از جرم واکنشی احساسی است که مشخصه‌ی اصلی آن احساس خطر و اضطراب ناشی از تهدید به آسیب فیزیکی است. ترس از جرم توسط چهار شاخص قابل

اکباتان دارای یک هیأت مدیره مرکزی^۱ است که به عنوان نماینده و نایب ساکنان برای ارتباطات خارجی فعالیت می‌کند. علاوه بر این، هیأت مدیره مرکزی، سیاست‌های منسجمی برای امور داخلی هر مجموعه، که به نام هیأت مدیره بلوک^۲ هستند، بر اساس اساسنامه مشترک تنظیم می‌کند. اعضای هیأت مدیره بلوک‌ها، از بین ساکنان همان مجموعه به مدت یک سال انتخاب می‌شوند. چون ساکنان آپارتمان‌ها همه مالک یا مستأجر خصوصی هستند، بنابراین شهرداری دخالتی در هزینه‌های اجرایی ساختمان‌ها ندارد (Salamati, 2001). تمام ساکنان سهم هزینه‌های اجرائی و نگهداری هر بلوک را بر اساس مساحت و متراز آپارتمان خود پرداخت می‌کنند.

بلوک‌های ساختمان در اکباتان مرتفع هستند اما طبقات همکف تمام بلوک‌های ساختمانی در فازهای یک و سه باز و آزاد می‌باشد. باز بودن طبقات همکف برای افراد پیاده میانبرهایی از وسط ساختمان‌ها در اطراف منطقه ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که ساکنان مسیرهای اضافی و زیادی را طی نکنند تا به امکانات عمومی یا دوستان و خویشاوندان خود در مجموعه‌های دیگر دسترسی پیدا کنند. از طرف دیگر در فاز دو، یک راه عریض شمالی/جنوبی بین ساختمان‌ها، به عنوان پیاده‌رو و محل عبور عابر پیاده در نظر گرفته شده و که دارای مغازه‌های کوچک نیز می‌باشند(شکل^۳).

اکباتان به عنوان یک محله مسکونی طراحی شده با فرم مشخص و محل زندگی اقشار متوسط، در زمان شکل‌گیری، خارج از بافت متراکم شهر

فرضیه تحقیق

همانگونه که اشاره شد عوامل متعددی بر روی ترس از جرم ساکنان مجموعه‌های مسکونی تأثیر می‌گذارد. ولی در این تحقیق فقط به تأثیر نوع محدوده مجموعه مسکونی بر این متغیر پرداخته شده است. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش به قرار زیر است:

میزان ترس از جرم ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور، محصور نمادین و غیرمحصور با یکدیگر متفاوت است و این تفاوت ناشی از وجود تفاوت در محدوده مجموعه‌های مسکونی می‌باشد.

مطالعه موردی

محدوده مطالعه حاضر، شهرک اکباتان در شهر تهران است. شهرک اکباتان که در تقسیمات شهرداری تهران به عنوان « محله » شناخته می‌شود، یکی از موفق‌ترین و مدرن‌ترین پروژه‌های مسکن‌سازی در تاریخ ایران است (Salamati, 2001). شهرک اکباتان در سه فاز طراحی و ساخته شده است که هر فاز شامل چندین مجموعه مسکونی است(شکل^۲). این محله دارای ۳۳ مجموعه ۵، ۹، ۱۲ و ۱۵ طبقه و تعداد ۱۵۶۷۵ واحد مسکونی است (Central Managing Committee, 2019). اکباتان دارای ۶۵۰۰۰ مترمربع فضای تجاری، اداری، آموزشی و درمانی است. فاز اول با ۱۰ مجموعه مسکونی دارای ۵۶۱۱ واحد مسکونی ۷۹۷۸ است. فاز دوم با ۱۷ مجموعه مسکونی دارای ۲۰۸۶ واحد مسکونی می‌باشد. فاز سوم با چهار مجموعه ۱۷ مسکونی دارای ۲۰۸۶ واحد مسکونی است (Central Managing Committee, 2019).



Fig.2. The location of the three phases of Ekbatan. Reproduced by Authors from "Tehran.", 35°42'31.99"N and 51°18'30.59"E. Google Earth, March 29, 2019

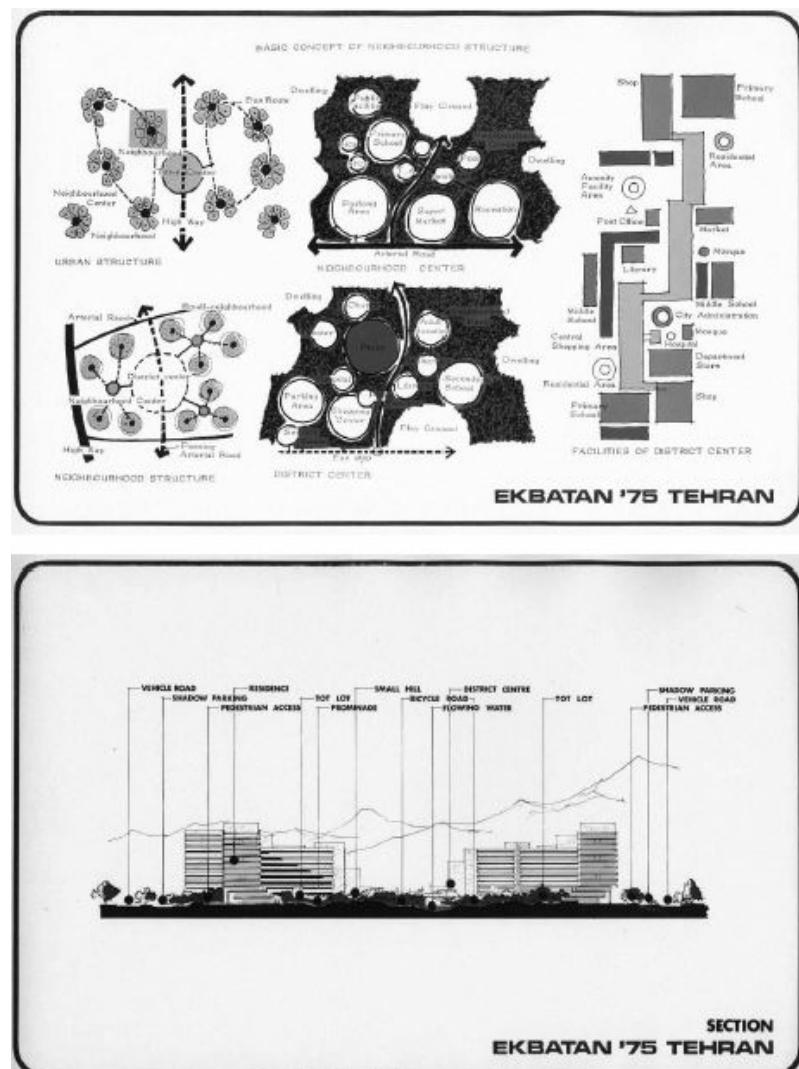


Fig.3. Basic schemes of Ekbatan Neighborhood structure with a focus on spatial continuity and unrestricted pedestrian movement (Merbaghi et al, 2018 p.55)

- ساخت یک مجموعه تجاری بزرگ به نام مگامال که سبب شده افراد زیادی از خارج محله برای کار در آن یا استفاده از آن به درون محله اکباتان بیایند؛
- ساخت یک پر迪س دانشگاهی در درون محله که موجب افزایش ترافیک و ورود غریبه‌ها به محل شده است؛
- جانمایی پایانه مترو در درون محله؛
- افزایش کاربری‌های تجاری بدون درنظر گرفتن سرانه تجاری مشخص شده در طرح اولیه محله(شکل ۴).

مستحکم‌سازی^{۴۳} محدوده‌های کنترل بیشتر

از منظر ساکنان اکباتان، اقدامات شهرداری سبب شده که بافت همگن اکباتان دچار تغییر شود (Merbaghi et al, 2018). مشکلات ناشی از ورود افراد غریبه و افزایش ترافیک در سطح محله، برخی از هیأت مدیره‌های مجموعه‌ها را بر آن داشته که با استفاده از موانع کالبدی، از محدوده مجموعه خود حفاظت بیشتری انجام دهند. حصارکشی، گذاشتن دروازه ورودی با رابند و اتاقک نگهبانی، همراه با استفاده از دوربین‌های مداربسته از تمهیدات حفاظتی آنها است. با استفاده از این تمهیدات، فضای باز جلوی هر

در بخش غربی تهران ساخته شد و به سبب این موقعیت حاشیه‌ای، در جریان توسعه شهری، بافتی کاملاً متمایز، هم به لحاظ فیزیکی و هم به لحاظ اجتماعی، پیرامون آن شکل گرفته است. جمعیت ساکن در محدوده پیرامونی شهرک اکباتان را اقشار کم درآمد تشکیل می‌دهند که به لحاظ الگوهای رفتاری، سرمایه فرهنگی و شیوه زندگی با اقشار ساکن در شهرک اکباتان بسیار متفاوت هستند (Merbaghi et al, 2018).

تغییر در بافت اکباتان

تحولات صورت گرفته در چند سال اخیر سبب بروز نارضایتی‌های در بین ساکنان اکباتان شده است. هیأت مدیره مرکزی اکباتان معتقد است که مطابق اساسنامه اکباتان، زمین‌های موجود در محله در مالکیت ساکنان آن است و شهرداری حق دخالت و تغییر کاربری زمین‌های محله را ندارد. مهمنه ترین مسائل مورد اختلاف بین هیأت مدیره مرکزی اکباتان و شهرداری تهران عبارتند از Central Managing Committee, 2019

- عبور بزرگراه ستاری از درون اکباتان که موجب شده است محله به دو پاره جدا از هم تقسیم شود؛



Fig.4. Access restriction and notices to outsiders in some residential communities in Ekbatan (The banner on the wall says: Notice that this block's green space is only for the use of residents and it is privately owned by the owners of the block and all its costs are paid by the residents. Thus, non-residents are not allowed to enter it and their entry is illegal and prosecutable)

روش تحقیق

جهت آزمون فرضیه‌ها، از روش تحقیق پس‌رویدادی استفاده شده است. در تحقیق پس‌رویدادی پژوهشگر با مطالعه یک ویژگی در یک گروه و مقایسه آن با گروهی که فاقد آن ویژگی است به کشف علت پدیده مورد مطالعه می‌پردازد (Groat & Wang, 2013). برای آزمون فرضیه تحقیق لازم بود مجموعه‌هایی به عنوان نمونه انتخاب شوند که از هر لحاظ با یکدیگر شباهت داشته و تفاوت آن‌ها صرفاً از نظر نوع محدوده باشد. در شهرک اکباتان، مجموعه‌های مسکونی متعددی

مجموعه مسکونی که قبلاً جزء فضای عمومی محله محسوب می‌شد، برای ساکنان آن، خصوصی شده است. این تغییرات همچنین موجب تغییر در الگوی رفت و آمد در سطح محله شده است. برخی دیگر از مجموعه‌ها با تمهیدات منظرسازی و محوطه‌سازی نرم، سعی در تقویت قلمرو مجموعه خود کرده‌اند. کاشت پرچین‌های بلند که مانع حرکت غریبه‌ها به درون مجموعه می‌شود، ساخت دروازه ورودی ولی بدون نگهبان و بدون راهبند، حسی از دروازه و محدوده را برای ساکنان و افراد غریبه به وجود می‌آورند.



Fig.5. Examples of the reinforcement and fortification of residential communities in Ekbatan for more control over the area

حصارهای کوتاه، پرچین و دروازه‌های نمادین، قلمرو خود را تقویت کرده و حس دروازه را القاء کنند. این مجموعه‌ها فاقد نگهبان و کنترل بر روی رفت و آمد بودند. در واقع آن‌ها برای کنترل بیشتر بر محل زندگی خود، تصمیم گرفته بودند از همان تمهدیاتی استفاده کنند که نیومن (1972) در محله فایو اوکز از آن‌ها استفاده کرده بود. سوم، مجموعه‌های مسکونی محصور، یعنی مجموعه‌هایی که دارای محدوده سخت بودند؛ آن‌ها از طریق حصارکشی‌های بلند و کدر (غیرشفاف)، دروازه ورودی با راهبند و نگهبان، و سیستم دوربین مداربسته بر روی رفت و آمد افراد، کنترل و نظارت داشتند.

در فاز یک، در مجموع ۱۰ مجموعه مسکونی وجود داشت، که پنج مجموعه مسکونی غیرمحصور، دو مجموعه مسکونی محصور نمادین و سه مجموعه مسکونی محصور بودند. برای آزمون فرضیه‌ها، برای هر نوع محدوده، دو مجموعه مسکونی انتخاب شد. یعنی دو مجموعه محصور، دو مجموعه محصور نمادین و دو مجموعه غیرمحصور برای مطالعه انتخاب شدند. تعداد حجم نمونه کل با توجه به تعداد ساکنان آن‌ها و با استفاده از فرمول جسی مورگان، با ۷٪ خطا برابر با ۱۸۸ نفر تعیین شد؛ که از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای به نسبت هر مجموعه مسکونی انتخاب شدند (جدول ۱). برای تأمین اطمینان بیشتر برای بازگشت پرسشنامه‌ها و کم شدن پرسشنامه‌های ناقص، در هر مجموعه مسکونی پانزده پرسشنامه بیشتر توزیع شد.

Table 1. Population Size and Sample Size

	Non-gated communities	Perceived gated communities	Gated communities	Total
Population size	8597	3578	5219	17394
Sample size according to Krejcie and Morgan's Table	93	39	56	188
Actual sample size	108	54	71	233

زمینه مرتبط با جرم عبارتند از: ۱) مورد سرقت واقع شدن از سوی یک فرد ناشناس در خیابان‌ها، ۲) مورد آزار یا تهدید واقع شدن در خیابان‌ها، ۳) مورد سرقت قرار گرفتن به روش نه چندان خشن و ۴) ورود غیرقانونی به خانه هنگامی که افراد در خانه حضور دارند. تأکید این پرسشنامه بر درک امنیت جانی و مالی است. اعتبار درونی این پرسشنامه بالاست، (Reyes-Sosa & Molina-Coloma, 2018).

سوالات هر بعد شامل این موارد می‌شوند:

نگرانی: هر چند وقت یکبار نسبت به وقوع یک اتفاق مجرمانه نگران می‌شوید؟ بازه پاسخ چنین است: ۱ = حتی در ماه گذشته یکبار هم نبوده است. ۲ = یک یا دو بار در ماه گذشته. ۳ = یک یا دوباره در هفته گذشته = ۴ = هر روز

احتمال: فکر می‌کنید چقدر احتمال داشت که چنین اتفاقی مجرمانه‌ای برای شما رخ دهد؟ بازه

قرار دارند که دارای معماری یکسانی هستند و تفاوت آن‌ها صرفاً از نظر نوع محدوده می‌باشد. چون همگی آن‌ها در یک محله واقع شده‌اند، ویژگی‌های زمینه‌ای مشابه‌ای دارند. بنابراین شهرک اکباتان و مجموعه‌های مسکونی واقع در آن، بستر مناسبی را برای انجام یک تحقیق پس رویدادی فراهم می‌آورد.

نمونه آماری

در نمونه‌گیری یا انتخاب مجموعه‌های مسکونی این تحقیق، مهم‌ترین نکته استفاده از نمونه‌گیری هدفمند در مقابل نمونه‌گیری تصادفی است. نمونه‌گیری هدفمند توجه کمتری به تعمیم نتایج به جمعیت بزرگ‌تر دارد و به یافتن الگوهای مناسب گردآوری داده‌ها از گروه‌ها و جمعیت‌های Groat & Wang, (2013). برای آزمون فرضیه‌ها، به صورت هدفمند فاز یک شهرک اکباتان انتخاب شد. چراکه تمامی مجموعه‌های مسکونی واقع در آن از نظر معماری و شرایط زمینه‌ای، کاملاً شبیه هم بودند؛ تنها تفاوت آن‌ها از نظر نوع محدوده است.

مجموعه‌های مسکونی در فاز یک، به سه دسته تقسیم شدند. اول، مجموعه‌های مسکونی غیرمحصور، یعنی مجموعه‌هایی که بدون حصارکشی و دروازه بودند و رفت و آمد در آن‌ها کنترل شده، نبود. در واقع؛ آن‌ها شکل ابتدای خود را حفظ کرده بودند. دوم، مجموعه‌های مسکونی محصور نمادین، یعنی مجموعه‌هایی که تلاش کرده بودند که از طریق

ابزار و نحوه گردآوری داده‌ها

ترس از جرم از جنس مقولات ادراکی است و با ادراک مردم از محیط زندگی‌شان مرتبط است. برای سنجش مقولات ادراکی، همواره توصیه می‌شود که از خود مردم (مشارکت‌کنندگان در تحقیق) گزارش دریافت کرد (Gifford, 2016). در این تحقیق، از یک پرسشنامه پیمایشی، که منطبق بر پرسشنامه ریس-سوسا و مولینا-کولوما (Reyes-Sosa & Molina-Coloma, 2018) است، استفاده شد.

ریس-سوسا و مولینا-کولوما (2018) بر اساس چهار بُعدی که جکسون (2009) برای سنجش ترس از جرم پیشنهاد داده (نگرانی از قربانی جرم شدن، احتمال وقوع جرم، احساس کنترل بر جرم و پیامدهای جرم)، پرسشنامه‌ای تنظیم کرده‌اند که شامل ۱۶ گویه سوال هست. یعنی برای هر بُعد، چهار زمینه مرتبط با جرم در نظر گرفته‌اند، و در نهایت یک مدل ۴ در ۴ ساخته‌اند. این چهار

آمد(جدول ۲). پرسشنامه‌ها همراه با نامه‌ای از سوی هیأت مدیره مجموعه در درون یک پاکت نامه به تعداد نمونه تحقیق، با مراجعه به درب منازل، تحويل ساکنان آن‌ها شد. نامه هیأت مدیره در مورد هدف تحقیق توضیح می‌داد و از ساکنان می‌خواست که پرسشنامه‌ها را کامل کنند. به منظور جلوگیری از تکرار نظرسنجی و حصول اطمینان از اینکه هرخانوار تنها یک بار در نظرسنجی شرکت کرده باشد، پرسشنامه‌ها زئوکد شده بودند. یعنی هر پاکت به لحاظ جفرافیایی و مکان خانه‌ها، رمزگذاری شده بود. تقریباً ۶۳ درصد پاسخ‌دهندگان به درخواست اولیه پاسخ دادند و پرسشنامه‌های تکمیل شده خود را به مدیر هیأت مدیره تحويل دادند. در روز بعد از پخش اولیه پرسشنامه‌ها، به درخواست پژوهشگران، از طرف هیأت مدیره، یک نامه پیگیری جهت یادآوری به افرادی که هنوز پاسخ نداده بودند، ارسال شد. در نتیجه آن، میزان کلی پاسخ‌ها به ۲۰۸ پرسشنامه رسید. پس از بررسی پرسشنامه‌های دریافتی و کنار گذاردن پاسخ‌های ناقص، تعداد کل پرسشنامه‌ها سالم به ۱۹۲ عدد رسید و تحلیل‌های آماری بر اساس آن‌ها انجام شد.

پاسخ چنین است: ۱=قطعان رخ نمی‌دهد تا ۵=قطعان رخ می‌دهد.

کنترل: فکر می‌کنید چقدر می‌توانید مسئله قربانی شدن در برابر یک جرم را مدیریت یا کنترل کنید؟ بازه پاسخ چنین است: ۱=اصلاً نمی‌توانم تا ۵=قطعان می‌توانم مدیریت داشته باشم.

پیامدها: فکر می‌کنید چنین تجربه‌ای، چه میزان در زندگی شما تأثیر بگذارد؟ بازه پاسخ چنین است: ۱=هیچ تأثیری ندارد تا ۵=تأثیر بسیار زیادی بر رویم خواهد داشت.

پرسشنامه توزیع شده در بین ساکنان مجموعه‌های مسکونی مورد مطالعه، دارای دو قسمت و ۲۳ سوال بود. قسمت اول ویژگی‌های فردی مشارکت‌کنندگان را می‌سنجد و قسمت دوم ادراک آن‌ها را از ترس از جرم ارزیابی می‌کرد. به این دلیل که پرسشنامه ریسنس- سوسا و مولینا (2018) برای محله‌ها و محیط‌های مسکونی غیر از ایران تنظیم شده است، برای اطمینان بیشتر، از طریق محاسبه ضرایب الگای کرونباخ، مجدد پایایی درونی پرسشنامه نهایی محاسبه گردید که در ارزیابی مجدد، ضریب الگای کرونباخ برای سازه ترس از جرم ۰/۹۴ به دست

Table 2. Cronbach's alphas

Scale	Subscale	Number of items	Cronbach's alpha
Fear of crime	Worry about being a victim of crime	4	0.82
	Likelihood of crime	4	0.88
	Control over crime	4	0.87
	Consequences of crime	4	0.83
	Total	16	0.94

مجموعه‌های مسکونی می‌باشد. جهت بررسی وجود اختلاف معناداری در میانگین میزان ترس از جرم ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور، محصور نمادین و غیرمحصور از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شد.

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که میانگین متغیر ترس از جرم برای مجموعه‌های مسکونی ۲/۱۱ غیرمحصور برابر است با ۲/۶۸، محصور نمادین ۲/۶۴ می‌باشد و این میانگین برای مجموعه مسکونی محصور نمادین کمتر از مجموعه‌های مسکونی غیرمحصور و محصور می‌باشد. یعنی ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور نمادین ادراک امنیت بالاتری دارند.

نتایج آزمون آنالیز واریانس (جدول ۵) نشان می‌دهد که در متغیر ترس از جرم و مؤلفه‌های آن، سطح معناداری آزمون، کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرضیه تأیید شده و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت بین میانگین میزان ترس از جرم و مؤلفه‌های آن در ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور، محصور نمادین و غیرمحصور تفاوت معناداری وجود دارد. برای تعیین اینکه تفاوت در در بین کدام مجموعه‌های مسکونی است، از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد.

یافته‌ها و نتایج

بخش اول پرسشنامه، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان را می‌سنجدید. آن‌ها شامل پرسش‌های بودند درخصوص سن، جنسیت، نوع سرپرستی، میزان تحصیلات، سابقه سکونت در شهرک اکباتان، نوع مالکیت و پیش‌بینی آن‌ها از میزان سال‌هایی که قرار است در اکباتان زندگی کنند. تمامی پرسش‌های این بخش، به صورت «بسته پاسخ» طراحی شده بودند و پاسخ‌دهندگان مختار بودند که یکی از گزینه‌های پاسخ را انتخاب کنند. از آزمون کای اسکور برای سنجش تفاوت ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان استفاده شد(جدول ۳ و ۴). نتایج جدول‌های شماره سه و چهار نشان می‌دهد که بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان تفاوت‌هایی وجود دارد ولی این تفاوت‌ها معنادار نیستند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اگر تفاوتی مابین ادراک ساکنان در ترس از جرم وجود داشته باشد، ناشی از تفاوت در ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آن‌ها نیست.

مطابق فرضیه تحقیق، میزان ترس از جرم ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور، محصور نمادین و غیرمحصور در شهر تهران با یکدیگر متفاوت است و این تفاوت ناشی از وجود تفاوت در محدوده‌ی

ساکنان مجموعه‌های مسکونی مذکور دارای اختلاف معناداری است. میزان ترس از جرم و مؤلفه‌هایش در ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور نمایدین نسبت به مجموعه‌های مسکونی محصور و غیرمحصور کمتر می‌باشد و این مقدار معنادار است.

با توجه به نتایج جدول ۶، سطح معناداری آزمون شفه در مجموعه‌های مسکونی محصور نمایدین با مجموعه‌های مسکونی محصور و غیرمحصور کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرضیه تحقیق تأیید شده و در نتیجه میزان ترس از جرم و مؤلفه‌های آن در

Table 3. Respondents' demographic details in the communities studied

	Gated communities		Perceived gated communities		Non-gated communities	
	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage
Age	18-25	6	11.1	9	21.4	15
	26-34	13	24.1	7	16.7	19
	35-49	21	38.9	17	40.5	45
	50-64	8	14.8	5	11.9	7
	Above 65	6	11.1	4	9.5	10
Gender	Male	31	57.4	22	52.4	53
	Female	23	42.6	20	47.6	43
Breadwinning status	Breadwinner	39	72.2	28	66.7	63
	Non-breadwinner	15	27.8	14	33.3	33
Education	Below high school diploma	5	9.3	3	7.1	6
	High school diploma	12	22.2	5	11.9	14
	Bachelor of Arts/Science	27	50	28	66.7	60
	Master of Arts/Science and above	10	18.5	6	14.3	16
Number of years lived in Ekbatan	Below a year	3	5.6	1	2.4	7
	1-3 years	7	13	8	19	13
	4-6 years	4	7.4	3	7.1	2
	7-9 years	2	3.7	3	7.1	2
	Above 9 years	1	1.9	1	2.4	3
Type of ownership	Owner	37	68.5	31	73.8	68
	Non-owner	17	31.5	11	26.2	28
Number of years expected to live in Ekbatan	Below a year	6	11.1	6	14.3	10
	2-5 years	13	24.1	9	21.4	21
	6-10 years	25	46.3	7	16.7	46
	Above 10 years	10	18.5	20	47.6	19

Table 4. Chi-square results for respondents' demographic differences

	X ²	df	Sig.
Age	4.92	8	0.76
Sex	0.24	2	0.88
Breadwinning status	0.71	2	0.70
Education	3.84	6	0.69
Number of years lived in Ekbatan	1.01	8	0.99
Previous residence in a gated community	0.32	2	0.82
Type of ownership	0.32	2	0.85
Expected years to live in Ekbatan neighborhood	18.41	6	0.50

Table 5. Descriptive statistics of fear of crime and its components in the communities studied

	Gated communities		Perceived gated communities		Non-gated communities		η^2
Variable	Mean	SD	Mean	SD	Mean	SD	
Worry about being a victim of crime	2.56	0.81	2.04	0.71	2.51	0.76	0.07***
Likelihood of crime	2.58	1.10	2.06	0.81	2.73	1.11	0.05***
Control over crime	2.71	0.98	2.18	0.81	2.78	1.10	0.05**
Consequences of crime	2.70	1.02	2.17	0.92	2.69	1.11	0.04*
TOTAL Fear of crime	2.64	0.85	2.11	0.68	2.68	0.94	0.07**

*** p ≤ .001 ** p ≤ .01 * p ≤ .05

Table 6. The results of Scheffe test for residents' perception of fear of crime in the communities studied

Variable	i	j	Mean Difference	Sig.
Fear of being a victim of crime	Non-gated	Perceived gated	0.52	0.00
		Gated	0.04	0.95
	Perceived gated	Non-gated	0.52	0.00
		Gated	0.48	0.01
		Non-gated	0.04	0.95
	Gated	Perceived gated	0.48	0.01
		Gated	-0.15	0.71
Likelihood of crime	Non-gated	Non-gated	-0.51	0.03
		Gated	-0.66	0.01
		Non-gated	0.15	0.71
	Gated	Perceived gated	0.66	0.01
		Gated	-0.07	0.92
		Non-gated	-0.52	0.02
Control over crime	Non-gated	Gated	-0.59	0.01
		Non-gated	0.07	0.92
		Perceived gated	0.59	0.01
	Gated	Gated	0.51	0.03
		Non-gated	0.01	0.99
		Perceived gated	-0.51	0.03
Consequences of crime	Gated	Gated	-0.50	0.04
		Non-gated	-0.01	0.99
		Perceived gated	0.50	0.04
	Non-gated	Gated	-0.04	0.96
		Non-gated	-0.52	0.001
		Gated	-0.56	0.01
Fear of crime	Gated	Non-gated	0.04	0.96
		Perceived gated	0.56	0.01
		Gated	0.52	0.001
	Non-gated	Non-gated	-0.52	0.001
		Gated	-0.56	0.01
		Perceived gated	0.04	0.96

غیرمحصور احساس می‌کنند ولی این تفاوت معنادار نیست. این نتایج، با نتایج مطالعات پیشین که توسط بلکلی و استنایدر (1997) و ویسلون-دونگس (2000) انجام شده همخوانی دارد. به این معنی که آن‌ها معتقدند که راهکار حصارکشی در مناطق مسکونی صرفاً سبب ایجاد یک امنیت کاذب می‌شود و برای ساکنان آن‌ها هیچ منفعتی در طول زمان ندارد. چراکه در طول زمان احساس امنیت بین ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور و غیرمحصور تفاوتی با یکدیگر ندارد. لو (2003) نیز اشاره می‌کند که دروازه‌ها تا حدی امنیت را برقرار می‌کند اما ساکنان همچنان امنیت بیشتری را طلب می‌کنند؛ اگرچه وجود دروازه‌ها و حضور نگهبانان، «افراد غریبه» را که مایه ترس و وحشت هستند، از ساکنان محله جدا می‌سازند، ولی غریبه‌ها می‌توانند به طور مخفیانه از دروازه‌ها عبور کنند. در واقع نتایج این تحقیق، تأیید کننده این گزاره لو (2001) است که می‌گوید «حتی در پشت دیوارها نیز ترس وجود دارد».

حصارکشی و استخدام نگهبانان در اکباتان کارآیی لازم را برای کاهش ترس از جرم در مجموعه‌های مسکونی محصور نداشته است. اما وضعیت در مجموعه‌های مسکونی محصور نمادین متفاوت است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در مقایسه با مجموعه‌های مسکونی محصور و غیرمحصور، ساکنان مجموعه‌های محصور نمادین در اکباتان ترس از جرم کمتری احساس می‌کنند. این ترس از جرم کمتر، در هر چهار شاخص نگرانی از قربانی جرم شدن، احتمال وقوع جرم، احساس کنترل بر جرم و پیامدهای جرم

بحث و بررسی نتایج

اکباتان، بزرگترین و پرمجمیعت‌ترین محله در خاورمیانه، یک اجتماع محلی^{۴۵} است که در آن سه سطح از محصورسازی دیده می‌شود. ساکنان برخی از مجموعه‌های مسکونی مستقر در اکباتان تصمیم گرفته‌اند که برای مقابله با تغییرات کالبدی و اجتماعی به وجود آمده در محله خود، مجموعه‌هایی شان را به وسیله‌ی بستن دسترسی‌ها و استخدام کردن نگهبان‌ها به مجموعه‌های مسکونی محصور تبدیل کنند. در واقع محصورسازی در اکباتان، به واسطه‌ی این حس که ساکنان دیگر قادر به کنترل محله خود نیستند، به وجود آمده است. بلکلی و استنایدر (1997) به این نوع مجموعه‌ها، مجموعه‌های مسکونی دفاعی می‌گویند.

مجموعه‌های مسکونی محصور در اکباتان از آن جهت دفاعی محسوب می‌شوند که این سازندگان اکباتان نبوده‌اند که دروازه‌ها و محصوریت را ایجاد کرده‌اند، بلکه این کار به واسطه ساکنانی که اغلب نامیدانه برای حفظ و ماندن در محله خود تلاش می‌کنند ساخته شده است. در مجموعه‌های مسکونی دفاعی «محصورسازی از نگاه سازندگانشان به چشم یک ضرورت دیده می‌شوند تا یک تسهیلات» (Blakely & Snyder, 1997) در این مجموعه‌ها، ترس از جرم و غریبه‌ها، مهم‌ترین انگیزه برای مستحکمسازی محدوده‌ها است.

مطابق نتایج، ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور ترس از جرم کمتری نسبت به ساکنان مجموعه‌های

و نه مقابله مستقیم و پلیسی با جرم. برای موفقيت مجموعه‌های مسکونی محصور نمادین دو دليل اصلی می‌توان اقامه کرد:

- **قلمروغ‌گرایی:** دفاع از محدوده در مجموعه‌های مسکونی محصور نمادین بر عهده ساکنان آن‌ها است. احتمال بیشتری دارد تا افراد، از قلمرویی که آن را برای خود می‌دانند، دفاع کنند.

- **تصور ذهنی:** تصویر ذهنی اهالی از محله و تعلق به آن، می‌تواند روی دفاع آن‌ها از محل زندگی‌شان تأثیر بگذارد.

در مجموعه‌های مسکونی محصور، مفاهیم قلمرو‌گرایی وجود دارند؛ اما دروازه‌گذاری و دیوار/ حصارکشی در آن‌ها به معنای به وجود آمدن یک مکان قابل دفاع نیست. مستحکم‌سازی محدوده‌ها برای بهبود نقاط آسیب‌پذیر همانند حصارها، دیوارها، دروازه‌ها و گشتهای نگهبانی بازهای از انتخاب‌ها هستند. ممکن است تصویر شود که این موارد کمک‌کننده هستند، اما آن‌ها به خودی خود متضمن به وجود آمدن یک اجتماع محلی پایدار نیستند و همان گونه که بحث شد، اقدامات فوق الذکر می‌توانند با کاهش مسئولیت ساکنان نسبت به یکدیگر، به ساختار اجتماع محلی لطمه وارد کنند. باید به مداخلات کالبدی و اجتماعی ویژه‌ای اندیشید که افراد را گرد هم آورده و همسایه‌ها را توانند ساخته و آن‌ها را تشویق کند تا مراقب یکدیگر و محیط کالبدی زندگی‌شان باشند. هیچ تک راهبردی برای دستیابی به این هدف وجود ندارد. در عوض، می‌توان مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و توصیه‌های به هم مرتبط، در زمینه‌هایی مختلف تهیه کرد که به ارتقای امنیت و زیست‌پذیری مجموعه‌های مسکونی محصور کمک کند.

پی‌نوشت

1. Physical boundary
2. Fear of crime
3. residential community
4. clear boundary
5. Talen
6. Lynch
7. Soft
8. Strict
9. Kim
10. Newman
11. defensible space
12. Five Oaks
13. Gated communities
14. Blakely and Snyder
15. security zone
16. fortification
17. sense of community
18. Gifford
19. Hough
20. LaGrange, Ferraro & Supancic
21. dread
22. anxiety
23. Garofalo
24. Jackson

دیده می‌شود. ساکنان مجموعه‌های محصور نمادین نگرانی کمتری دارند که قربانی یک جرم شوند، آن‌ها همچنین احتمال کمتری می‌دهند که در محیط مجموعه مسکونی‌شان جرمی اتفاق بیافتد و اگر هم اتفاق بیافتد توانایی بیشتری برای کنترل و مدیریت آن احساس می‌کنند. بنابراین آن‌ها معتقدند که اگر جرمی اتفاق بیافتد، پیامدهای کمتری را در زندگی‌شان ایجاد می‌کند.

مجموعه‌های مسکونی محصور نمادین در اکباتان، دارای محدوده‌های مشخص هستند ولی دروازه‌های قفل شده و نگهبانان امنیتی ندارند. در واقع تفاوت آن‌ها با مجموعه‌های مسکونی محصور در این است که ساکنانشان فعالانه از محدوده مجموعه‌های خود مراقبت می‌کنند. در مقابل، ساکنان مجموعه‌های محصور رفتارهای قلمروپایی منفعلانه‌ای دارند. کلید فهم تفاوت میان مجموعه‌های مسکونی محصور و محصور نمادین، مشارکت ساکنان از طریق رفتارهای قلمروپایی برای محافظت از مجموعه مسکونی‌شان است. قفل‌ها، حصارها، دروازه‌ها و نگهبانان در مجموعه‌های مسکونی محصور، اما از طریق رفتارهای ترس‌ها و خطرات می‌اندازد، اما همانند محله‌های سنتی، با تقویت قلمروپایی به واسطه مشارکت ساکنان، کیفیت زندگی را بهبود داده و امنیت آن را نیز افزایش می‌دهد.

محدوده‌های فیزیکی مشخص همراه با مشارکت فعالانه ساکنان می‌تواند به مدیریت تعامل اجتماعی، کاهش درگیری و تحریک احساس مالکیتی که افراد را به هم نزدیک می‌کند و بستری از وابستگی متقابل و اقدام عملی ایجاد می‌کند، کمک کند. همانند گفته‌های نیومن (1972) در نظریه فضای قابل دفاع، محدوده‌های مشخص مجموعه‌های مسکونی محصور نمادین در اکباتان، فضاهای عمومی بزرگ محله را به قلمروهای کوچکتری تبدیل می‌کنند که ساکنان می‌توانند آسان‌تر آن‌ها را جزیی از محل زندگی خودشان بدانند و برای همین مسئولیت بیشتری برای اداره‌ی آن‌ها را بر عهده بگیرند. نتیجه‌ی آن امنیت افزایش یافته، جرایم کمتر و حفظ و نگهداری دقیق‌تر است.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که در مجموعه‌های مسکونی محصور اغلب از سخت کردن محدوده‌ها با استفاده از تغییرات کالبدی در محیط، مانند دیوار/حصارکشی و دروازه‌ها استفاده می‌شود. اما در مجموعه‌های مسکونی محصور نمادین، تلاش و تأکید اصلی بر روی تأثیرگذاری بر رفتار اجتماعی قرار دارد. این کار در راستای خلق یک فضای قابل دفاع است. فضایی کالبدی که در آن سازمان اجتماعی محله، احتمال وقوع جرم را کاهش دهد. هدف مستحکم‌سازی محدوده‌ها در مجموعه‌های مسکونی محصور نمادین، ارتقای قابلیت دفاع اجتماعی است

تعارض منافع

نویسندها اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است.

تاییدیه‌های اخلاقی

نویسندها اعلام می‌شوند که کلیه اصول اخلاقی انتشار اثر علمی را براساس اصول اخلاقی COPE رعایت کرده‌اند و در صورت احراز هر یک از موارد تخطی از اصول اخلاقی، حتی پس از انتشار مقاله، حق حذف مقاله و پیگیری مورد را به مجله می‌دهند.

منابع مالی / حمایت‌ها

موردی توسط نویسندها گزارش نشده است.

مشارکت و مسئولیت نویسندها

نویسندها اعلام می‌دارند به طور مستقیم در مراحل انجام پژوهش و نگارش مقاله مشارکت فعال داشته و به طور برابر مسئولیت تمام محتویات و مطالب گفته شده در مقاله را می‌پذیرند.

References

1. Abu-Ghazze, T. M. (1999). Housing layout, social interaction, and the place of contact in Abu-Nuseir, Jordan. *Journal of environmental psychology*, 19(1), 41-73.
2. Atkinson, R., & Blandy, S. (2013). *Gated communities: International perspectives*. Routledge.
3. Banks, M. (2005). Spaces of (in) security: Media and fear of crime in a local context. *Crime, Media, Culture*, 1(2), 169-187.
4. Beall J, Crankshaw O & Parnell S. (2002). The people behind the walls: insecurity, identity and gated communities. In *Uniting a Divided City* (Beall J et al. (eds)). Earthscan, London, pp. 175–195.
5. Breetzke, G. D., Landman, K., & Cohn, E. G. (2014). Is it safer behind the gates? Crime and gated communities in South Africa. *Journal of housing and the built environment*, 29(1), 123-139.
6. British Crime Survey. (2008). *Crime in England and Wales*. England and Wales: Research, Development and Statistics.
7. Blakely, E. J., & Snyder, M. G. (1997). *Fortress America: gated communities in the United States*. Brookings Institution Press.
8. Caldeira, T. P. (2000). *City of walls: crime, segregation, and citizenship in São Paulo*. University of California Press.
9. Central Managing Committee. (2019, March 28). Retrieved from shahrak-e-Ekbatan: <http://www.shahrakekbatan.ir/>
10. Coy, M., & Pöhler, M. (2002). Gated communities in Latin American megacities: case studies in Brazil and Argentina. *Environment and Planning B: Planning and design*, 29(3), 355-370.
11. Davis, M. (1998). *Ecology of fear: Los Angeles and the imagination of disaster*. Macmillan.
12. Ellin, N. (2001). Thresholds of fear: embracing the urban shadow. *Urban studies*, 38(5-6), 869-883.
13. Fowler, F. J., & Mangione, T. W. (1986). A three-pronged effort to reduce crime and fear of crime: The Hartford experiment. *Community crime prevention: Does it work*, 87-108.
14. Garofalo, J. (1981). The fear of crime: Causes and consequences. *J. Crim. L. & Criminology*, 72, 839.
15. Gibson, C. L., Zhao, J., Lovrich, N. P., & Gaffney, M. J. (2002). Social integration, individual perceptions of collective efficacy, and fear of crime in three cities. *Justice quarterly*, 19(3), 537-564.
16. Gifford, R. (2007). The consequences of living in high-rise buildings. *Architectural science review*, 50(1), 2-17.
17. Gifford, R. (Ed.). (2016). *Research methods for environmental psychology*. John Wiley & Sons.
18. Glasze, G. (2005). Some reflections on the economic and political organisation of private neighbourhoods. *Housing studies*, 20(2), 221-233.
19. Groat, L. N., & Wang, D. (2013). *Architectural research methods*. John Wiley & Sons.
20. Harang, M. (2003). The improvement of the quality of life in residential areas. *The Policy Tree*.
21. Hough, M. (1985). The impact of victimization: Findings from the British Crime Survey. *Victimology*, 10(4), 488-497.
22. Jackson, J. (2005). Validating new measures of the fear of crime. *International Journal of Social*

تشکر و قدردانی

موردی توسط نویسندها گزارش نشده است.



- Research Methodology*, 8(4), 297-315.
23. Jackson, J. (2006). Introducing fear of crime to risk research. *Risk Analysis: An International Journal*, 26(1), 253-264.
24. Jackson, J. (2009). A psychological perspective on vulnerability in the fear of crime. *Psychology, Crime & Law*, 15(4), 365-390.
25. Kim, S. K. (2006). *The gated community: Residents' crime experience and perception of safety behind gates and fences in the urban area* (Doctoral dissertation, Texas A&M University).
26. Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research. *Activities, Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.
27. LaGrange, R. L., Ferraro, K. F., & Supancic, M. (1992). Perceived risk and fear of crime: Role of social and physical incivilities. *Journal of research in crime and delinquency*, 29(3), 311-334.
28. Landman, K. (2000). Gated Communities and Urban Sustainability: Taking a closer look at the future. In *2nd Southern African Conference on Sustainable Development in the Built Environment Strategies for Sustainable Built Environment, Pretoria, South Africa, 23-25 August 2000*.
29. Landman, K., & Schönteich, M. (2002). Urban fortresses: gated communities as a reaction to crime. *African Security Review*, 11(4), 71-85.
30. Le Goix, R. (2005). Gated communities: Sprawl and social segregation in Southern California. *Housing studies*, 20(2), 323-343.
31. Low, S. M. (1997). Urban fear: building the fortress city. *City & Society*, 9(1), 53-71.
32. Low, S. M. (2001). The edge and the center: Gated communities and the discourse of urban fear. *American anthropologist*, 103(1), 45-58.
33. Low, S. (2003). Behind the gates. *New York and London: Routledge*.
34. Lynch, K. (1984). *Good city form*. MIT press.
35. Mantey, D. (2017). Social consequences of gated communities: The case of suburban Warsaw. *The Professional Geographer*, 69(1), 151-161.
36. Merbaghi, B., Tavakoli F., Hatamnejadian, N., Khosravi, E., Rahimi, F., & Kavousian, K. (2018). *Ekbatan Town: Contemporary Civilization of Iranian Architecture*. Tehran: Payam.
37. McCrea, R., Shyy, T. K., Western, J., & Stimson, R. J. (2005). Fear of crime in Brisbane: Individual, social and neighbourhood factors in perspective. *Journal of Sociology*, 41(1), 7-27.
38. Nasar, J. L., & Fisher, B. (1993). 'Hot spots' of fear and crime: A multi-method investigation. *Journal of environmental psychology*, 13(3), 187-206.
39. Newman, O. (1972). *Defensible space* (p. 264). New York: Macmillan.
40. Quintal, D. A. N. A. (2006). Gated communities in Sydney: A search for security. *New South Wales: The University of New South Wales, Faculty of the built environment*.
41. Reyes-Sosa, H., & Molina-Coloma, V. (2018). Psychometric analysis of a scale to measure fear of crime in Ecuadorian youths. *Acta Colombiana de Psicología*, 21(1), 290-309.
42. Rogers, G. O., & Sukolratananametee, S. (2009). Neighborhood design and sense of community: Comparing suburban neighborhoods in Houston Texas. *Landscape and urban Planning*, 92(3-4), 325-334.
43. Roitman, S. (2010). Gated communities: definitions, causes and consequences. *Proceedings of the Institution of Civil Engineers-Urban Design and Planning*, 163(1), 31-38.
44. Ross, C. E., & Jang, S. J. (2000). Neighborhood disorder, fear, and mistrust: The buffering role of social ties with neighbors. *American journal of community psychology*, 28(4), 401-420.
45. Ruiu, M. L. (2014). Differences between cohousing and gated communities. A literature review. *Sociological Inquiry*, 84(2), 316-335.
46. Salamat, A. A. (2001). *Urban housing design in Iran in response to socio-cultural and environmental conditions* (Doctoral dissertation, University of Strathclyde).
47. Soleimani, B. (2014). *Urban Boundaries and Alternative Spaces: Case Study of Tehran* (Architecture Thesis, The Pennsylvania State University).
48. Talen, E. (2019). *Neighborhood*. Oxford University Press.
49. Thiis-Evensen, T., & Kolbjøn, N. N. (1999). Archetypes of Urbanism a Method for the Esthetic Design of Cities. Universitetsforl. Oslo.
50. Wilson-Doenges, G. (2000). An exploration of sense of community and fear of crime in gated communities. *Environment and behavior*, 32(5), 597-611.
51. Xu, M., & Yang, Z. (2008). Theoretical debate on gated communities: genesis, controversies, and the way forward. *Urban Design International*, 13(4), 213-226.



To develop and advance scientific advancement in the architecture and urban development fields and the qualitative development of specialist forces and progress educational and research affairs in the architecture, landscape architecture, urban planning, urban design, restoration of textures and buildings, industrial design fields and like them, the Semiannual Journal of Iranian Architecture and Urbanism(JIAU) has been publishing a scientific-research journal that has been published since early 2010 to document and enhance related research.

Aims

- Creating and promoting a suitable platform for the exchange of science and knowledge in the fields of architecture and urbanism.
- Documenting and strengthening research related to the fields of architecture and urbanism.
- Informing experts and researchers in the fields of architecture and urbanism of the latest findings and achievements of Iran and the world

Scopes

- Architecture (Sustainable Architecture, Technology and Energy in Architecture, Architectural Education)
- Landscape
- Art History
- Urbanism(Urban Planning, Regional Planning, Urban Design, Urban Management)
- Restoration and Protection of Textures, Buildings and Objects
- Industrial Design (Product Design, Art Research)

Publication Ethics

- All articles of the Journal are Open Access. Journal of Iranian Architecture and Urbanism (JIAU) follows the terms outlined by the Creative Common's Attribution (CC-BY) to be the standard terms for Open Access.
- We accept all terms and conditions of COPE about plagiarism and in case, any attempt of plagiarism is brought to our attention accompanied by convincing evidence, we act based on flowcharts and workflows determined in COPE.
- Journal of Iranian Architecture & Urbanism(JIAU) follows a double blind peer-review policy, and the submitted articles will be published after reviewing and editorial approval.

Licence Holder: Iranian Scientific Association of Architecture & Urbanism

Director-in-Charge: Mohsen Faizi

Editor- in- Chief: Mostafa Behzadfar

Internal editorial board (in alphabetical order):

Behzadfar, Mostafa; Professor of Urban Design, Iran University of Science & Technology.

Bemanian, Mohammadreza; Professor of Architecture, Tarbiat Modarres University.

Diba, Darab; Professor of Architecture, Islamic Azad University(Central Branch).

Etessam, Iraj; Professor of Architecture, Islamic Azad University(Science and Research Branch)

Faizi, Mohsen; Professor of Architecture, Iran University of Science & Technology.

Gorji Mahlabani, Yousef; Professor of Architecture, Imam Khomeini International University.

Hashemnejad, Hashem; Associate Professor of Architecture, Iran University of Science & Technology.

Khakhzand, Mehdi; Associate Professor of Architecture, Iran University of Science & Technology

Mazaherian, Hamed; Associate Professor of Architecture, University of Tehran.

Memarian, Gholamhossein; Professor of Architecture, Iran University of Science & Technology.

Mohammad Moradi, Asghar; Professor of Restoration, Iran University of Science & Technology.

Mozaffar, Farhang; Associate Professor of Architecture, Iran University of Science & Technology.

External editorial board (in alphabetical order):

Azari, Rahman; Associate Professor of Architecture, Penn State University, USA.

Karimi, Pamela; Associate Professor of Art History, University of Massachusetts Dartmouth, USA.

Sharifi, Ayyoob; Associate Professor of Sustainable Urban Design & Development, Hiroshima University, Japan.

Sharifi, Ehsan; Lecturer of Sustainable Architecture, The University of Adelaide, Australia.

Taleghani, Mohammad; Senior Lecturer in Landscape Architecture, Leeds Beckett University, Leeds, UK.

Editorial Manager: Mehdi Khakhzand

Editorial Expert: Anahita Tabaeian (Ph.D Candidate in Urban Studies)



Vol. 12, No. 2, Fall & Winter 2021

Editorial Advisor: Iranian Scientific Association of Architecture & Urbanism

English Language Editor: Soad Sarihi, Ph.D Candidate in Architecture.

Page and Cover Designer: Anahita Tabaean, Ph.D Candidate in Urban Studies.

Paging and Formating: Elham Mennati Moheb

Publisher: Iran University of Science and Technology

Number: 50 Issues

Price: 500000 Rls

Address: School of Architecture & Environmental Design, Iran University of Science & Technology (IUST), Narmak, Tehran, Iran.

Postal Code: 16846 - 13114

Email: iaau@iust.ac.ir

Web Site: <https://www.isau.ir>

Phone: +98 (21) 73228235

Fax: +98 (21) 77240468

Published articles are not necessarily the point of view of the journal and the responsibility of the articles lies with the respected authors.

This issue has been published with the support of the School of Architecture & Environmental Design, Iran University of Science & Technology (IUST).

Guide for Authors

We sincerely appreciate the authors' interest in choosing the scientific Journal of Iranian Architecture and Urbanism for publishing their scientific papers. Please read the authors' guide carefully to complete the judging and publication process.

1- The article must be derived from scientific research work and should not be previously published in any other journal or conference proceedings in the same or different languages. Authors are not allowed to submit their manuscripts simultaneously to more than one journal

2- We only receive research papers in our journal. Review papers are only received from experienced authors and architecture and urbanism pioneers, whose reviews revolve around the theoretical subjects in line with journal aims and perspectives.

3- Submission to this journal occurs online at <http://www.isau.ir>. Manuscripts submitted via email or in print are not processed.

4- Authors are responsible for the legal and scientific accuracy of their manuscripts. The scientific quarterly of "Journal of Iranian Architecture and Urbanism" reserves the right to reject, accept or edit manuscripts.

5- Submitted manuscripts that fall outside the scope and aims of the journal will be excluded from the evaluation process without external review, in the opinion of the editor(s) or editor-in-chief.

6- The official language of the publication is Persian. The manuscripts should be concise and correct in terms of grammar and writing style. The manuscript should not exceed the number of 17 pages (excluding abstract and references).

7- At least one faculty member must collaborate in the group of authors.

8- The author(s)' detail should only be included on a separate page entitled the author information page. The main body of the paper should not contain any identifying information, such as the authors' names.

9- Only one manuscript from each author can be processed at a time, and the processing of the second article is only possible when the full review of the first article has been completed.

10- In case the manuscript is derived from a thesis or dissertations, it is necessary to mention the name of the supervisor, the field of study, and the affiliation. Manuscripts derived from student theses and dissertations will be published jointly with the name of the supervisor, advisors, and the students. The supervisor is designated as the corresponding author.

11- It is necessary to adjust your manuscript using the template provided here.

12- Citations in the text and the bibliography should follow the APA referencing style. Download APA style here.

13- The costs will be received from the authors in different stages.

14- After the final and scientific acceptance of the manuscript, an extended English abstract, a visual abstract, a translation of the references, and a translation of tables and figures will be received for publication.



CONTENTS

Scientific Articles

Investigating the realization rate of the Eco-City indicators and the conceptual framework for its development based on residents' satisfaction (Case study: Ozgol neighborhood of Tehran) Mehdi Saidi, Mozhgan Ansari, Faezeh Torabinejad	5
Comparative study of definitions, functions, and elements of "Media" to examine the role of "Architecture" as a "Media" Pegah Payedar Ardakani, Hassan Zolfagharchadeh	25
Comparative study of altars in the grand mosques of Tabriz and Marand Sahar Toofan, Amir Jodaei	43
Translation theory in the analysis of the modern residential architecture in Turkey and Iran (1930s) Mohamamdhamed Mousavi	55
Evaluation of redevelopment capacity in abandoned manufactory - industrial lands of Yazd city Fateme Karimi, Samaneh Jalilisadrabadi	69
The design pattern of optimal combined envelope in generating solar electricity using genetic algorithm in Iran's cold climate Alireza Farhangi Khanghah, Yousef Gorji Mahlabani, Seyed Majid Mofidi Shemirani, Hossein Medi	83
The place conceptual model in concordance with the features of space and time (Case study: Imamzadeh Yahya in Tehran) Ghazaleh Goodarzi, Mostafa Behzadfar, Yousefali Ziari	107
The effect of resident's sense of belonging to the place on the neighboring facades of Isfahan Maadis Marjan Amjad, Farhang Mozaffar, Shirin Toghiani, Vahid Ghasemi	119
Investigation on attaining healthy housing by increasing sense of coherence in historical context with emphasize on salutogenic approach: Sang-e-Siyah community, Shiraz, Iran Mohadeseh Alsadat Hamidi, Mehdi Khakzand, Mohsen Faizi	137
Physical analysis and cognition of vernacular architecture in Leives village Sajad Moazen, Shina Sadberenji	153
Physical transformations in the tomb of Imamzadeh Abdullah in Shushtar: a manifestation of Iranian architecture in the transition from the Seljuk- Khwarezmshahi period to the Ilkhanate period Abbasali Ahmadi, Amin Ahmadi Siahpoosh	171
The effects of residential communities' physical boundaries on residents' perception of fear of crime: A comparison between gated, perceived gated, and non-gated communities in Ekbatan neighborhood, Tehran Mohammad Jalili, Alireza Einifar, Ramin Madani, Bruce Judd	189
A comparative study of Pirnia's principles in architecture and artifacts with industrial design styles Mohammad Zolfaghari, Nasser Koleini Mamaghani	205
Social sustainability analysis in residential complexes using SWARA-TOPSIS method Atafeh Yaghoubi, Zhila Rezakhani	217
Comparative study of thermal comfort simulation software in urban environment Roza Vakilnezhad	235
Explaining the concept of spatial hierarchy in the settlement model of Qajar period (Case study: Tehran aristocratic houses) Jahan Danesh, Khosrow Movahed, Malihah Taghipour	251
Reading the motion types in residential buildings based on the contemporary notion of privacy (Case study: Three selected houses of Iranian contemporary architecture) Fatemeh Baradaran Heravi, Mahdi Hamzenejad	265
Soundscape model in Shiraz Qajar gardens Amin Habibi, Sara Rahmani, Mahsa Saeedizadeh, Negar Mokari	281



Print ISSN: 2228-589X
Online ISSN: 2645-7148

JOURNAL of IRANIAN
ARCHITECTURE & URBANISM

Fall & Winter 2021

Volume 12 /Number 2

Available online at www.isau.ir